



به نام حق
که هیچگاه، ناحق، نبوده، و نخواهد بود.

نفس‌های شماطه‌دار

نویسنده:
مولود پورصفا

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۹





تقديم به

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف





فهرست

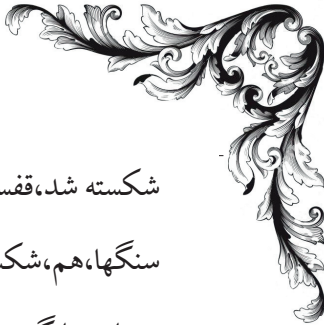
- مقدمه ۱۱
- همه، زیریک حباب ۱۲
- واین، حکایت، باقی ست ۱۳
- خیالِ انتظار، تا، مرگِ را، دارد ۱۴
- غروبِ منهم، می رسد ۱۵
- پس لَرزه های، روزگار را، چه کنم؟ ۱۶
- نه، ابلیس را، روبوسی کنیم ۱۷
- هک شد، قلبم ۱۸
- سررسیده، زمستانم ۱۹
- روزگارِ غدا را، تلافی، جایی نداره ۲۰
- تا، بمانند، جوانه ها ۲۱
- تکه تکه ام ۲۲
- برای، تکهء آخر، جانم را، گرفتند ۲۳
- نشنیدم، صدایِ چشمانت را* ۲۴
- کویرِ بخت را، پر آب، کنم ۲۵

- سوزانده بود، رعد و برق، بختم را ۲۶
- و حالا، این منم که، رمان عاشقانه‌ای را، می‌نویسم ۲۷
- این جمعه هم، بسر آمد ۲۸
- حساب دل دیگه، با چرتکه، بود ۲۹
- بانقاب، بی نقاب، شد، آوار، بر سرم ۳۰
- مدام، دل را، بند، می‌زنم ۳۱
- این، ویرانه دل، احیا نشود ۳۲
- هدیه، به بینوایان، این چنین ست ۳۳
- دوست دارم را، تا آخرین نفسم، بند ک، می‌زنم ۳۴
- روزگار، جوهرش را، تاراج، کرده ۳۵
- آرامش ابدی ۳۶
- رویا های رقصان ۳۷
- عشاق، می باید، باشند، هر دم، بفکر هم ۳۸
- قلبهام، تیر می‌کشند!! ۳۹
- چرا، از من، دست نمی‌کشد؟؟!! ۴۰
- بخیالم، قله های عشق را فتح کردم! ۴۱
- تا، رو سپید، کند، عشق را ۴۲



- سوختند، از عشق، دم نزدند ۴۳
- بیمارم، درمانی نمی خواهم ۴۴
- کلمات هم، بر من، شیخون، نمی زنند ۴۵
- دیوانی، از شرم و دیوانه!! ۴۶
- شیه، به هیچکس، نیستم ۴۷
- دمی، بامن، بمان! ۴۸
- شعله، می کشد، تا، کهکشان ۴۹
- با فراموشی، الفت گرفتم!! ۵۰
- صبح جانم، تا قیامت، جانم فدایت ۵۱
- نفسش راهم، به یغما برده بود ۵۲
- دگر بار، سبزه زارها و لبخند کود کان، دلش را بازمی کنند ... ۵۳
- جدائی ات، ریشه فتاده، بر کالبدم ۵۴
- نچرخید برایم ۵۵
- بالهای عشق ۵۶
- بار سنگینی ست، بر دوش ۵۷
- فقط، چرخیدیم ۵۸
- ماوایم، فراخ می شود ۵۹

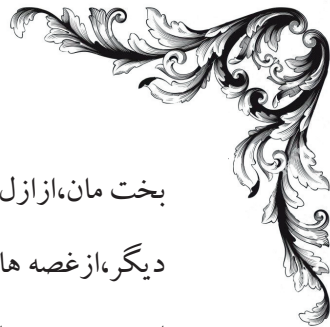


- 
- 
- شکسته شد، قفسش !! ۶۰
- سنگها، هم، شکسته اند ۶۱
- توبیائی، با گیسوانم، آهنگ عشق رامی نوازم ۶۲
- خاموش، شدگان ۶۳
- ایستاده ها، هنوز، استوارند ۶۴
- جانانم، نکرد، مرا فراموش ۶۵
- ایستاده و آزاده ۶۶
- چشمانی منتظر، مانده ۶۷
- لا لا، لا لا ۶۸
- چند، کوتاه ۶۹
- کف، بردهان، صخره هارا، درنوردیم ۷۰
- ومن، یک دروغ بزرگم ۷۱
- انسانیت را، خلق آویز، نکن ۷۲
- گمشدگان ۷۳
- کویرِ دلم ۷۴
- واقعیت، تلخ جامعه ما ۷۵
- سایه ام را، دستبند زد ۷۶
- 
- 



- تا فناشدن ۷۷
- نماند، نامی، ازدفترشان ۷۸
- مطبخی، باعشق گرم ۷۹
- دلداده ام، امانت دارت، می شوم ۸۰
- خواهم، ازپروردگاری همتا ۸۱
- ملیجک ها رخ وفیل رامی رقصانند ۸۲
- چند، کوتاه ۸۳
- تک ستاره ای، ندارم ۸۴
- این بارهم، عدالت، سیلی خورد ۸۵
- کوچه های تنگ^۱ ۸۶
- برایم، تمام، شده بودی! ۸۷
- نازنین پسر، تویی حلاوت زندگیم ۸۸
- سوزانده بود، رعدوبرق، بختم را! ۸۹
- اما، ما، سیاه پوش، شدیم ۹۰
- این چنین، شهره شوی، درعالم ۹۱
- شدی قربانی، احمقانه ۹۲
- دیگر، خطی، به یادگار، نمی ماند ۹۳





- ۹۴ بخت مان، از ازل تب و لرز، داشت!
- ۹۵ دیگر، از غصه ها، رهیده
- ۹۶ این همه، رمز و راز
- ۹۷ جانانم م م م
- ۹۸ حکمت روزگار، یا جهل مرکب
- ۹۹ سایه هایی، در تاریکی
- ۱۰۰ هزار بار مُردم، باز عاشق، ماندم
- ۱۰۱ عاقبت، طوفانها درو شوند
- ۱۰۲ چشم م م م، که براهِ ه ه



مقدمه

آرزوهای کوچک و بزرگ
بهرسویی، پرمی کشند
به کجا، می روند؟
که، باز گشتی ندارند!
و باز، حیران تر از، قبل،
ولی، تلو تلو خوران، می روند
بال اما، ندارند
دیگر، میلی هم، ندارند
بیادشان، نمیاید
چه، می خواسته اند
به چه، می اندیشیده اند!

مولود

همه ، زیر یک حباب

کامل، نیستی

چون،

گاهی، سوالی

گاهی، ویرگولی

گاهی، نقطه ای

گاهی، خط کسری

و تو، یک توهمی

۲۰۱۸/۰۷/۲۳

واین، حکایت، باقی ست

قصه ای کوتاه، نه

شادی، نه

مرگ،

غصه

جمع

نامش شد، زندگی

۲۰۱۸/۰۷/۲۲

خیالِ انتظار، تا، مرگِ را، دارد

دلم، گفتگوها، دارد

گله، از یارِ بیوفادارد

از جدایی، حرمان، دارد

اما، عشقِ بی انتها، دارد

۲۰۱۸/۰۷/۲۱



غروبِ منهدم، می رسد

زمان، بسرعت باد، می گذرد

حتی، سرعت گیر هم

افاقه، نمی کند

۲۰۱۸/۰۷/۲۰



پس لرزه های، روزگار را، چه کنم؟

دلم، می لرزه

از، دست اندازهای، سرنوشت

۲۰۱۸/۰۷/۱۹

نه، ابلیس را، روبوسی کنیم

از، سقف دنیا، آویزانیم

تا، زندگی کنیم

نه، برده

نه، پس مانده

نه که، دریوزگی کنیم

۲۰۱۸/۰۷/۱۲

هک شد، قلبم

دفترچه قلبم، تمام اوراقش، نام تو

اما،

اوراق کردی، آن صفحات را

۲۰۱۸/۰۷/۲



سررسیده، زمستانم

بهارانم را انتشارش

کرد، پائیزان^۱ برگریزان را

پیشکشم!

۲۰۱۸/۰۷/۲



روزگار غدار را، تلافی، جایی نداره

مه و خورشید، تابشی، سوییِ ما، نداره

تنِ خسته، توانی، نداره

روم، جایی که، بازگشتی، نداره

روم، بخوابی، که بیداری، نداره

۲۰۱۸/۰۷/۱

تا، بمانند، جوانه‌ها

علف‌های هرزه، باغچه‌ها

ندارند، جایگاهی، برطاقچه‌ها

ندارند، همسانی، باغچه‌ها

باید، لگد مال شوند، در کوچه‌ها

۲۰۱۸/۰۶/۳۰

تکه تکه ام

هرچقدر، ورق می زنند، مرا

در لیست ممنوعه ها، می برند، مرا

سالهاست، حروفِ چینش شده، مرا

غارت، تباه کرده اند، مرا

تا، نابود کنند، نسلِ مرا

۲۰۱۸/۰۶/۲۵



برای، تکه‌ء آخر، جانش را، گرفتند

مُرد

از بس، برای، هر لقمه نانی

نفس شش را، می گرفتند

۲۰۱۸/۰۶/۲۵



نشیدم، صدای چشمانت را*

بوسیدم، همیشه گلویت را

اما،

ندیدم، بغض شش را

۲۰۱۸/۰۶/۲۴

کویر بخت را، پر آب، کنم

چرخه‌ء روزگار را

آسمان و ستاره‌ها را

زمین و دریاها را

دوست، ندارم

وارونه می‌خواهم، همه را

تا روزگارم، کوک

تا، دستانم، پرستاره

تا، خانه‌ام، آباد، پربرکت باشد

۲۰۱۸/۰۶/۲۳